



وصیت رسول خدا(ص) در شب وفات



امام صادق (ع) از پدرانش... از امیرالمومنین علی ع خبر داد که رسول الله (ص) در شب وفاتش به امام علی (ع) فرمود:

”ای ابا الحسن کاغد و دواتی بیاور. رسول الله (ص) وصیتش را به امام علی (ع) املاء نمود تا به جایی رسید که فرمود: یا علی بعد از من دوازده امام است و بعد از آن ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش (م ح م د) مستحفظ از آل محمد واگذارنماید. آن ها دوازده امام هستند و پس از آن ها دوازده مهدی خواهند بود، پس(هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی) را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می نماید. او سه نام دارد. نامی مانند نام من ونام پدرم وآن عبد الله واحمد واسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است“

(ترجمه کتاب غیبت شیخ طوسی: ص ۳۰۰ ح ۱۱۱)

نسب سید احمد الحسن(ع)

سید احمدالحسن فرزند سید اسماعیل فرزند سید صالح فرزند سید حسین فرزند سید سلمان فرزند امام محمد بن الحسن السکرکی علیه السلام می‌باشد. سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام می باشد که برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله ص بشارت تولد ایشان را دادند. و فرستاده ای از سوی حضرت عیسی (ع) و حضرت ایلیا (ع) برای مسیحیان و یهودیان می باشد. ایشان دعوت الهی خود را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام در سال ۱۹۹۹ میلادی در نجف اشرف پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی علیه السلام همچون دعوت رسول الله (ص) به همه جهان انتشار یافت. ایشان برای اثبات حقانیت خود به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند:

این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱) نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله ص را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است و ۲) علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده اند و با آن همه علمای ادیان را به تحدی فرا خوانده و ۳) پرچم البیعه‌الله(دعوت به حاکمیت خدا)

سردبیر

«جانشین خداوند در زمین»

خداوند از آغاز و از روز اول، آدم (ع) را به عنوان جانشین خویش در زمین نصب کرد و به فرشتگان ابلاغ کرد که اطاعتش کنند؛ پس هنگامی که اعتراض و جدل کردند، خداوند برایشان بیان کرد که نسبت به آنچه میپرسند نادان هستند و از اینجا بود که علم آدم (ع) را که در او ودیعت نهاده بود، روشن ساخت و در نتیجه شایستگی آدم (ع) را فهمیدند و برای حق خضوع کردند. سپس خداوند همه‌ی آنها را امر به سجده کرد. فرشتگان نیز او را به عنوان امام و معلم و قیلهای به سوی خدا که خدا را به آنان معرفی میکند، پذیرفتند. همچنان که امام صادق (ع) فرمود: همانا دین و اساس دین یک مرد است و آن مرد همان یقین است و آن مرد همان ایمان است و او همان امام امتش و اهل زماش است؛ پس کسی که او را بشناسد، خدا را شناخته است و کسی که او را نشناسد، خدا و دینش را نشناخته است و کسی که به آن مرد جاهل باشد، بدون آن امام، به خدا و دین خدا و حدود و احکام آن جاهل است. چنین جریان پیدا کرده است که معرفت آن مردان، همان دین خدا است و معرفت بر وجه خودش معرفتی است که بر بصیرتی پایدار باشد که دین خدا به وسیله‌ی آن شناخته شود و به معرفت خدا برسند. (بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفار، ص ۵۴۹؛ مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سلیمان الجلی: ص ۸۲؛ خاتمه‌الاستدیرک، میرزا نورى، ج ۴، ص ۱۱۸؛ بحار الأنوار، مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۹۰).

اهل سنت هم در صحیح مسلم روایت کرده‌اند که رسول الله (ص) فرمود:

«مَنْ خَلَعَ يَدَا مِنْ طَاعَةِ لَقِيَّ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ نَيْفَةٌ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً (صحیح مسلم، ج ۶ ص ۲۲).

کسی که دستی از طاعت خدا بکشد، در حالی خداوند را ملاقات میکند که حجت و بهانه‌های ندارد و کسی که بمیرد، در حالی که بر گردنش بیعتی نیست، به مرگ جاهلیت (کفر) از دنیا رفته است.

آشکار است که بیعت مخصوص امام و خلیفه است. در نتیجه معنای حدیث این است که: کسی که بیعت نکند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است، یعنی هیچ روزه و نماز و عبادتی و حتی ایمانش به محمد رسول الله (ص) هیچ سودی ندارد، اگر در گردنش بیعتی برای شخص معینی وجود نداشته باشد. طبق صحیح مسلم (که مهمترین منبع اهل سنت است) همه‌ی دین پیرامون بیعت با یک مرد و اطاعت از او در هر زمان میچرخد، زیرا این حدیث متوجه همه‌ی مسلمانان تا روز قیامت است و بر همه‌ی مردم تکلیف میکند که با شخص معینی بیعت کنند وگرنه به مرگ کفر و جاهلیت از دنیا میروند.

میدانیم که ولایت و حاکمیت بر خلق اصالتاً مخصوص و منحصر به خدا است:

فَقَتَّلَ اللَّهُ الْمَلِكَ الْحَقِّ وَلَا تَعْبَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (طه، آیه‌ی ۱۱۴).

منزه است خدای فرمانروای حق؛ و پیش از آنکه وحی کردن قرآن بر تو پایان گیرد در خواندنش شتاب مکن، و بگو: پروردگارا، دانش مرا بیفزای.

فَقَتَّلَ اللَّهُ الْمَلِكَ الْحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (مؤمنون، آیه‌ی ۱۱۶)

پس متعالی و منزه است خداوند فرمانروای حق؛ هیچ معبودی جز او نیست، پروردگار عرش کریم است.

تصاویر مربوط به اوضاع کنونی شیعیان خارج سوریه

شهادت حاجی که چندی گرفتار نشسته

پیام سید احمد الحسن **آخر ماه ۱۳۹۱ هـ**

... و آنآ آمریکا که از این جلاخان **الاحمدیه** که به **شهابی** مختلف نقاب زده اند حمایت می کند نمی داند که اگر اینها توانستند نظام سوریه را با قدرت سلاح و قتل با مشمش سرنگون کنند، پس از آن به سوی **حزب الله** و لبنان برای قتل و کشتار اهل سنت و شیعیان خواهند رفت؟

موت معروفی سال هشت گریه اهل شده ...

ALMAHDYDOON.CO /AHMED.ALHASAN.10313

سید احمد الحسن علیه السلام: اگر دین خدا را به شکل کتابی تصور کنیم و صفحه ی اول آن را باز کنیم، می‌بینیم که در آن نوشته است: «آدم خلیفه‌ی خدا است.» اگر صفحه‌ی وسطش را بگشاییم، می‌بینیم که در آن نوشته است: «داوود خلیفه‌ی خدا است.» و اگر صفحه‌ی آخرش را باز کنیم، خواهیم دید که در آن نوشته شده است: «مهدی خلیفه‌ی خدا است.» [عقاید اسلام]

﴿قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾
عرض کرد: خداوند! منزهی تو! من به سوی تو باز گشتم!
و من اولین مؤمنانم!
 اعراف: ۱۴۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمودند:
 ﴿ثُمَّ اَوَّلَ مَوْمِنَانِ فِي اِيْمَانٍ...﴾



رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
 ﴿...عَبْدَ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ اسْمُ سَوْمِ مَهْدِي وَ اَوَّ اَوَّلِينَ مَوْمِنَانِ اسْتِ﴾
 غیبه طوسی: ص ۱۰۷ (= ۱۰۸)

علی در هر زمانأَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

رسول خدا (ص) به امام علی (ع) فرمودند: (شما اول مؤمنین در ایمان و اول مسلمین در اسلام و منزلت و جایگاه شما نزد من، همانند جایگاه هارون از موسی است). (الاربعون حدیث: ص ۲۰ لمنتخب الدین بن بابویه) (وَحَرْ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ بُنْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ)

(موسی بی‌هوش افتاد. سپس که به هوش آمد، عرض کرد: خدایا تو از حس جسمانی و رؤیت منزه و برتری و من به درگاهت توبه کردم و اولین مومنان هستم). الأعراف: ۱۴۳

از امام علی (ع): در تفسیر قول پیامبر خدا موسی (ع): (و من اول مؤمنین هستم) فرمودند: (... و من اول مقربین هستم به اینکه تو می‌بینی و دیده نمی‌شوی و تو در منظر اعلی قرار داری) کفایة الاثر: ص ۲۶۲ للخزاز القمی. و از امام رضا (ع) در حدیث طولانی در تفسیر گفتار پیامبر خدا موسی (ع): (و من اول مؤمنین هستم) فرمود: (... به معرفت خودم به شما از نادانی قوم خودم برگشتم (و من اول مؤمنین هستم) از آنها به شما که شما دیده نمی‌شوی (... الاحتجاج، ج ۲ ص ۲۲۱ للطبرسی.

(... عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی و او اولین مومنان است تسلیم نماید) الطوسی: ص ۱۰۷-۱۰۸.

از حذیفه بن یمان گفت: شنیدم که رسول خدا (ص) می‌فرماید -و مهدی را یاد کرد: (او بین رکن و مقام بیعت می‌گیرد اسمش احمد و عبدالله و مهدی و این سه تا اسم اوست). غیبه الطوسی: ص ۳۰۵.

از جابر جعفی گفت محمد بن علی (ع) به من فرمودند: (ای جابر برای بنی‌عباس اجازه بالا بردن یک پرچم داده شده و برای غیر از آنها پرچم‌هایی است آنگاه مواظب باش و مواظب باش -سه بار- تا اینکه مردی از فرزندان حسین (ع) را می‌بینی که بین رکن و مقام بیعت می‌گیرد و سلاح و مغفر و سپر رسول خدا با اوست (... الاصول السنه عشر - عدة محدثین: ص ۷۹.

از ابی جعفر (ع) در خبری طولانی فرمودند: (... مواظب باش که مبدا بین تو و آل محمد فاصله واقع شود زیرا برای آل محمد یک پرچم و برای غیر از آنها پرچم‌هایی است پس به زمین تمسک نموده و دنبال مردی از آنها

نرو تا اینکه مردی از فرزندان حسین (ع) را می‌بینی و با او عهد رسول خدا و پرچمش و سلاحش است آنگاه عهد پیامبر خدا پیش علی بن الحسین (ع) آنگاه پیش محمد بن علی (ع) قرار گرفت پس از دنبال رفتن آنها پرهیز کن و دقت کن در مورد آنچه برایت ذکر نمودم (... الزام الناصب: ج ۲ ص ۹۶ - ۹۷.

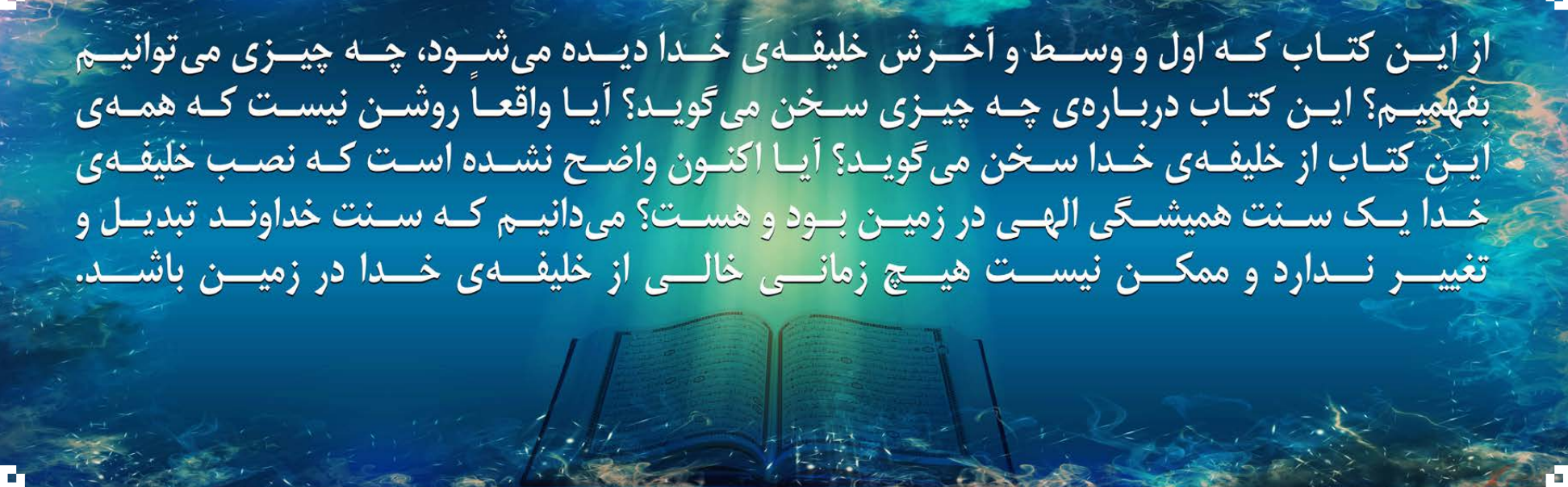
ابوعبدالله جدلی گفت: بر علی بن ابی طالب وارد شدم و به من فرمود: (می‌خواهی درباره سه چیز با تو سخن بگویم قبل از اینکه کسی بر ما وارد شود؟ گفتیم: بله. ایشان (ع) فرمودند: من بنده خدا و جنبنده زمین راستی و عدالت آن و برادر پیامبرش هستم می‌خواهی تو را از چشم و بینی مهدی آگاه سازم؟ گفتیم: بله. ایشان (ع) دستش را به سینه اش زد و فرمود من هستم) بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۴۳.

از ابی بصیر روایت شده که ابی عبدالله (ع) فرمود: (همانا خداوند به عمران وحی نمود که ما فرزند مبارک و فرخنده به تو عطا خواهیم کرد که کور و کچل و مبتلا و پیسی را شفا می‌دهد و مردگان را به آذن خداوند زنده می‌گرداند و او را رسولی برای بنی‌اسرائیل برگزیدیم. پس عمران همسرش حنه را از این خبر آگاه کرد و او مادر مریم بود و زمانی که باردار شد فکر می‌کرد فرزند پسر در شکم دارد اما در زمان ولادت، فرزندش دختر به دنیا آمد که گفت خدایا فرزندم را دختر به دنیا آوردم و دختر نمی‌تواند مانند پسر باشد یعنی نمی‌تواند پیامبر باشد و خداوند عزوجل می‌فرماید: (و خدا از آن چیزی که به دنیا آورد با خبر است) پس وقتی که خداوند عیسی را به مریم عطا نمود، او همان کسی بود که وعده و بشارتش را به عمران داده بود. پس اگر گفتیم در یک مرد از ما امری مهم است و در فرزندش و یا فرزند فرزندش بود منکر او نشوید). کافی.

روایت شده که غایبه الاسدی می‌گوید شنیدم که امیر المؤمنین (ع) در حالی که نشسته و من ایستاده بودم می‌فرمود: (در مصر منبری می‌سازم و شام را تا آخرین سنگ ویران خواهیم کرد و یهود و نصاری را از تمام مناطق عرب بیرون خواهیم راند و اعراب را با عصای خود به جلو خواهیم برد. می‌گوید به او گفتیم: یا امیر المؤمنین (ع) انکار که می‌خواهی به ما خبر دهی که بعد از مرگ دوباره زنده خواهی شد؟ فرمود: هیهات ای غایبه فکرت به خطا رفته این کارها را مردی از نسل من انجام خواهد داد). معانی الاخبار ۴۰۶

اگر به روایات فوق توجه شود می‌بینیم که امام علی (ع) در روایات، از خود سخن می‌گفت. ولی اجرا کننده را شخص دیگر معرفی می‌کند که از نسل خود و شبیه موسی بن عمران است.

کلام امام به صورت رمز بوده: زیرا که می‌خواستند قائم را از دشمنان محفوظ دارند.



از این کتاب که اول و وسط و آخرش خلیفه‌ی خدا دیده می‌شود، چه چیزی می‌توانیم بفهمیم؟ این کتاب درباره‌ی چه چیزی سخن می‌گوید؟ آیا واقعاً روشن نیست که همه‌ی این کتاب از خلیفه‌ی خدا سخن می‌گوید؟ آیا اکنون واضح نشده است که نصب خلیفه‌ی خدا یک سنت همیشگی الهی در زمین بود و هست؟ می‌دانیم که سنت خداوند تبدیل و تغییر ندارد و ممکن نیست هیچ زمانی خالی از خلیفه‌ی خدا در زمین باشد.

زندگی دنیا بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی در دیدگاه علی (ع)

قال علی (ع): (یا دنیا غری غیری إلیّ تعرضت أم إلیّ تشوفت هیهات هیهات قد بنتک ثلاثاً لا رجعة فیها) (ای دنیا خودت را برای کسی غیر از من زینت کن و به نمایش بگذار هیهات! هیهات! که من تو را سه بار طلاق دادم که در آن هیچ بازگشتی نیست). (ارشاد القلوب)

این مفهوم که گفتی حضرت بعد از ترک دنیا نسبت به آن میل و رغبت نشان داده است، صحیح نیست. ولی حضرت علی (ع) در دوران کودکی و جوانی و پیری، آن را ترک کرده بود و خداوند می‌فرماید: (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاؤُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ)، (الحدید: ۲۰) (بدانید که زندگی دنیا در

حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فرونطلبی در اموال و فرزندان است. چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن به کشتنی اندازد. سپس خشک شود و آن را زرد بینی. آنگاه خاشاک شود و در آخرت عذابی سخت است و از جانب خدا آموزش و خوشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست).

علی (ع) در دوران کودکی وارد دین اسلام شد و بازی برای او معنایی نداشت. بلکه در دوران کودکی خود، تلاش و کوشش در دفاع از محمد (ص) را طریقه‌ی زندگی خود قرار داد. سپس دوران جوانی خود را در حال ریختن عرق و خون در راه خدا گذراند. از جنگی به جنگ دیگر می‌رفت و حتی نمی‌رسید جراحات خود را درمان کند. سپس در پیری به هیچ عنوان به امور دنیا اهتمام نوزید.

آری علی (ع) اینگونه در کودکی به سرگرمی و بازی مشغول نشد و در دوران جوانی هرگز به زینت و ظاهر توجه نکرد و در کهن سالی چیزی از مال دنیا برای خود اندوخته و جمع نکرد. او دنیا را سه بار طلاق داد، همانگونه که خودش فرمود و نیز در تعبیری دیگر علی (ع) دنیا را با وجود جسمانیاش در زمین و با وجود ملکوتیاش در آسمانهای شگانه و با وجود عقلانیاش در آسمان هفتم طلاق داد.

روشی را که با صحابه عمل کردم پیدا نمودم و به همین شکل با اتباع تابعین و اتباع آنها ...

این عبارت شهادتی از سوی او است، نسبت به صحت همه‌ی روایات و اخباری که در تفسیرش جمع نموده است و این شهادت در توثیق روایت یادشده کافی است. به علاوه دیگر محدثان و علمای اهل سنت نیز حدیث مزبور در را کتب خود ذکر کرده‌اند؛ مثلاً:

طبرانی در المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۹۴ و ج ۵، صص ۱۵۳ تا ۱۵۴.

مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۲۶.

احمد محمد شاکر در تعلیقه و حاشیه‌ی خود بر کتاب مسند احمد (ج ۲، صص ۴۸ و ۴۹) این روایت را تصحیح کرده است و میگوید: «سندش صحیح است. مطلب بن زیاد بن ابیزهیر ثقفی کوفی ثقه است، چون احمد و ابن معین و دیگران او را توثیق کرده‌اند و بخاری در کتاب الکبیر (۴/۲/۸) احوال او را ذکر کرده است و هیچ مذمت و عیبی درباره‌ی او نگفته است ... و این حدیث از اضافات عبدالله بن احمد است.»

هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۴۱ درباره‌ی این روایت گفته است: «عبد الله بن احمد و طبرانی در المعجم الصغیر و المعجم الاوسط آن را نقل کرده‌اند و رجال و راویان مسند احمد همگی ثقه (معتبر و مورد اعتماد) هستند.»

* حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین (ج ۳، ص ۱۳۰) به سند خود از علی بن ابیطالب (ع) روایت میکند که درباره‌ی آیه‌ی محل بحث فرمود: رسول خدا (ص) منذر (هشداردهنده) بود و من هدایتگرم.

حاکم نیشابوری در ذیل این روایت مینویسد: این حدیث صحیح‌السند است، اما آن دو نفر (بخاری و مسلم) نقل نکردند!

۵. قرآن کریم میفرماید:

﴿قُلْ لَنْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كُتِبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

(بگو: مالکیت و فرمانروایی آنچه در آسمان‌ها و زمین است در سیطره‌ی کیست؟ بگو: در سیطره‌ی خدا است که رحمت را بر خود لازم و مقرر کرده است؛ یقیناً همه‌ی شما را در روز قیامت که تردیدی در آن نیست، جمع خواهد کرد. فقط کسانی که سرمایه‌ی وجودشان را تباه کرده‌اند، ایمان نمی‌آورند) (انعام، آیه‌ی ۱۲)

پس خداوند رحمت را بر خودش واجب کرده است و میدانیم که قرار دادن خلیفه و جانشینی که حدود خدا را در زمین اجرا کند، نیز از رحمت الهی است؛ پس خداوند استخلاف خلیفه را بر خودش فرض کرده است.

نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است.

۴. قرآن کریم در جای دیگر میفرماید:

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾

(و کافران می‌گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نشده‌است؟ تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است) (رعد، آیه ۷)

این آیه‌ی کریمه به وضوح بیان می‌کند که هر قومی هدایتگری دارد، در گذشته یا قبل از رسول خدا محمد (ص) و در آینده یا پس از او.

رسول خدا (ص) در احادیثی که اهل سنت در کتبشان نقل کرده‌اند، این هدایتگر را به شخصی معین از بنی‌هاشم تفسیر کرده است و در روایتی نیز یکی از مصادیق آن را امام علی (ع) ذکر کرده است:

* ابن جریر طبری در کتاب جامع البیان (ج ۱۳ ص ۱۴۲) به سند خود از ابن عباس روایت کرده که هنگامی که این آیه نازل شد، رسول‌الله (ص) دستش را بر سینه‌ی خود قرار داد و فرمود: (من همان منذر و هشداردهنده هستم؛ و هر قومی هدایتگری دارند. سپس با دستش به شانه‌ی علی (ع) اشاره کرد و فرمود: ای علی، هدایتگر توهستی. هدایتیافتگان پس از من به وسیله‌ی تو هدایت می‌شوند). (ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری، ج ۸، ص ۲۸۵ میگوید این حدیث به سند حسن روایت شده است).

ابن ابیحاتم در تفسیرش (ج ۷ ص ۲۲۲۵ شماره روایت ۱۲۱۵۲) از امام علی (ع) نقل میکند که فرمود: (هر قومی هدایتگری دارند، یعنی هدایتگرشان مردی از بنی‌هاشم است). ابن ابیحاتم می‌گوید که ابنالجنید گفت: آن شخص بنی‌هاشم، همان علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) است. (ابن ابی حاتم در مقدمه‌ی تفسیرش (ج ۱، ص ۱۴) تصریح کرده که در این کتاب صحیحترین روایات را جمعآوری کرده‌ام:

گروهی از برادران از من خواستند تا تفسیری برای قرآن بنویسم که مختصر و حاوی صحیحترین سندها باشد ... پس من درخواست آنها را اجابت کردم و توفیق از خدا است و از او یاری می‌خواهیم و حول و قوتی نیست مگر به خدا. پس شایسته دانستم که چنین تفسیری را با صحیح‌ترین اخبار از حیث سند و شبیه‌ترین آنها به حق از حیث متن تدوین کنم. پس هنگامی که تفسیری از خود رسول‌الله (ص) یافتم، دیگر همراه او هیچ یک از صحابه (که چنین خبری را نقل کرده) روایت نکردم؛ و هنگامی که حدیثی را از صحابه یافتم، اگر همگی در نقل آن متفق بودند من آن حدیث را از بلندمرتبه‌ترین آنها با صحیحترین سندها نقل کردم و موافقان و دیگر راویان و صحابه را صرفاً نام بردم؛ و اگر اختلاف داشتند، من اختلافشان را ذکر کردم و برای هر یک از آنها سند جداگانه‌ی بیان نمودم و موافقاتش را با حذف اسناد نام بردم. پس اگر حدیثی از صحابه نیافتم و بلکه از تابعین به دستم رسیده بود، در آن احادیث نیز همان

برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است...

محمد بن اسحاق بن عمار نقل کرد که به امام کاظم (ع) عرض کردم: «آیا مرا راهنمایی نمیکند که دینم را از چه کسی بگیرم؟» فرمود: «این پسر من علی (ع). همانا پدرم دست مرا گرفت و به مزار رسول الله (ص) وارد کرد و فرمود: پسر من، خدا فرموده که من در زمین جانشین قرار میدهم. وقتی که خداوند چیزی بگوید به آن وفا میکند.» (کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۱۲)

۲. خداوند به ابراهیم سلطنت و حکومت الهی داد و او را خلیفه‌ی خودش در زمین قرار داد: ﴿الَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾.

(آیا ندیدی کسی را که چون خدا به ابراهیم پادشاهی داده بود، با وی درباره‌ی پروردگارش به مجادله و ستیز و گفتگوی بی‌منطق پرداخت؟! هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارم کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. گفت: من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: مسلماً خدا خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد، تو آن را از مغرب برآور! پس آنکه کافر شده بود، متحیر و مبہوت شد. و خدا گروه ستمگر را هدایت نمیکند) (بقره، آیه‌ی ۲۵۸)

۳. خداوند نبی‌الله داوود (ع) را به عنوان خلیفهاش در زمین نصب کرد: ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾

(ای داوود! همانا تو را در زمین جانشین قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن و از خواسته خود پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند. بی‌تردید کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند، چون روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت دارند) (ص، آیه‌ی ۲۶)

همچنین در آیه‌ی دیگر فرمود:

﴿فَهَرَمُوهُمْ يَٰأَيُّهَا اللَّهُ وَقَتْل دَاوُدَ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره، آیه‌ی ۲۵۱)

(پس آنان را به توفیق خدا شکست دادند. و داوود جالوت را کشت، و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله‌ی برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می‌گرفت؛ ولی خدا



ابلیس به خداوند کفر نورزید و عبادت خداوند را رد نکرد، لیکن او سجده برای آدم(ع) را رد کرد. اعتراف به برتری حضرت آدم(ع) که او قلبه و شفیع و واسطه خداوند باد را رد کرد؛ و صحیح است که بگوییم، ابلیس به توحید وهابیون قبل از آنها رسید؛ و شاید صحیح تر از آن است که بگوییم که با بیماری (خودبینی و منیت) به آنها سرایت کرد و با ندای (خود) بر آنها تاثیر گذاشت. پس آنها را بهترین اجابت کنندگان و بهترین کسانی که از خط و مشی او در انکار اولیای خدا پیروی کردند، یافت. سید احمد الحسن / کتاب توحید

شبیه علی (ع) در آخر زمان؟

وصی امام مهدی (ع) به عنوان زمینه ساز بیرون می‌آید و برای پیروزی و یاری رساندن به امام مهدی (ع) قبل از قیام شریف او دعوت می‌کند و خروج او در آخر زمان که پر از فتنه و اختلاف و پرچم‌های ضلالت شبیه به حق است که امت بر فرقه فرقه شدن واقع می‌شود. امت پر سر دوراهی قرار می‌گیرند و همان‌طور که خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا شَاكِرَا وَ إِنَّمَا كَفُورًا﴾ (ما راه را به شما یاد دادیم یا شاکر باشید یا کفر ورزید) همان‌طور که امت در زمان وصی اول رسول خدا علی بن ابی طالب (ع) بر سر دوراهی ماند در زمان ظهور امام (ع) خلافت را از وصی امام مهدی (ع) با شورا (انتخابات) سلب خواهند کرد؛ همان‌طوری که از امیر المؤمنین (ع) سلب شده بود و این مستلزم خروج بیشتر مردم از ولایت الهی است. همان‌طور که در زمان امیر المؤمنین (ع) نیز حاصل شد در حالی که با امیر المؤمنین (ع) از مهاجرین و انصار کسی نمی‌ماند؛ مگر کمتر از انگشتان یک دست و همه مردم به جاهلیت برگشتند. همان‌طور که در روایت شریفه وارد شده و به طور طبیعی امر وصی امام (ع) بر مردم غریب خواهد بود که از آن بی‌زاری می‌جویند؛ زیرا مردم دشمن آنچه از آن جاهل هستند می‌باشند.

و از رسول خدا (ص) فرمودند: (دین به صورت غریب شروع شد و به صورت غریب بازخواهد گشت. پس خوشا به حال این غریبان). آنگاه مردم در آخر زمان اتباع علماء منحرف هستند؛ همان‌طور که از امام باقر (ع) وارد شد و فرمود: (در آخر زمان قومی از قوم دیگر تبعیت می‌کنند که خود پسند خطیبی، متنسک، سخنرانانی سقیه، امر به معروف را واجب نمی‌کنند و نه نهی از منکر راه، مگر به هنگام ضرر خود که در آن، در امان باشند. برای نفس خود رخصت و عذر می‌طلبند و از لغزش و کوتاهی علماء و فساد علم آنها تبعیت و پیروی می‌کنند (... تهذیب الاحکام: ج ۶ ص ۱۸۰.

و از امام صادق (ع) از امیر المؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) او فرمودند: (زمانی بر مردم خواهد آمد که از قرآن چیزی نمی‌ماند؛ مگر رسم او و از اسلام مگر اسم او، خود را با نام آن صدا می‌زنند. ولی آنها دورترین مردم از آن هستند. مساجد آنها کامل آباد ساخته شده. ولی از نظر هدایت خراب است. فقهای آن زمان شوروترین فقهای زیر سایه آسمان هستند که از آنها فتنه خارج و به آنها بر می‌گردد) کافی: ج ۸ ص ۳۰۷.

پس مسلح که در همچنین زمانی خروج کند؛ در حالی که مردم در آن علمای گمراه را عبادت می‌کنند (از آنها تبعیت می‌کنند) (و آنها را امامانی قرار دایم که مردم را به آتش دعوت می‌کنند و در قیامت پیروز نیستند) قصص: ۴۱.

عیسی (ع) فرمود: «مثل علمای ناپاک همچون صخره‌ای می‌ماند که بر دهانه رودی قرار گرفته نه خود از آب می‌نوشد و نه آب را رها می‌سازد تا به سوی کشتزار روانه گردد» ... جای دیگر می‌فرماید: «ای معلمان شریعت و فریبکارها که بر کرسی‌ام می‌نشینند که موسی بر آن نشست و ادامه می‌داد. به سخنان آنان خوب گوش فرا دهید؛ چرا که تعلیمات تورات است. ولی عمل آنها را تقلید نکنید؛ چرا که آنها چیزی را می‌گویند. ولی عمل نمی‌کنند. وای بر شما ای معلمان شریعت! درهای ملکوت را بر انسان‌ها می‌بندید و نه خود وارد می‌شوید و نمی‌گذارید که دیگران داخل شوند. وای بر شما ای معلمان شریعت و یا فریسیان که شما از خانه بیوه زنان می‌دزدید و می‌خورید. در حالی‌که به نماز طولانی و عبادت تظاهر می‌کنید، بدانید که خداوند شدیدترین عذاب‌ها را برای شما در نظر می‌گیرد. ای رهبران کور دل. ... و خداوند می‌فرماید: (اتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله) (التوبه: ۳۱). احبار و رهبان را به جای خدا پرستش می‌کردند. یعنی علماء غیر عامل را عبادت کردند. چون حلال خدا را حرام و حرام او را حلال کردند و آنها را عبادت کردند. از امام تفسیر این آیه را که آنها (یهودیان) احبار و رهبان را به جای خدا پرستش می‌کردند چیست؟ و امام جواب دادند: (به خدا قسم از مردم نخواستند که بزرگان دینشان را پرستش کنند و اگر از مردم درخواست می‌کردند. مردم آنها را پرستش نمی‌کردند. ولی حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کردند و مردم آنها را عبادت می‌کردند بدون اینکه خود بدانند). کافی: ج ۲ ص ۳۹۸.

و از امام صادق (ع) نقل شده: (هرکس شخصی را در معصیت اطاعت کند، او را عبادت کرده است) کافی: ج ۲ ص ۳۹۸.

و به چه چیزی از این مردم روبرو می‌شوند؛ جز تکذیب و استهزاء و دشمنی! همان‌طور که حال پیامبران و فرستاده‌ها بوده، خداوند متعال می‌فرماید:

(افسوس بر بندگان هر وقت رسولی برای آنها می‌آید او را مورد استهزاء و تکذیب قرار می‌دهند). یسن: ۳۰.

و در این حالت حتماً مردم از ولایت الهی خارج می‌شوند و در ولایت شیطان وارد می‌شوند و آن هم به علت اینکه دعوت کننده به سوی حق را رها کرده و از کسانی که دعوت به گمراهی می‌کنند، تنصیب و پیروی کردند؛ همان‌طور که در روایت از سلیمان دپلمی آمده، می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: (هَلْ آتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ) فرمودند: قائم آنها را با شمشیر خواهد کشت. عرض کردم: (وَجُوهٌ يُؤْمِنُونَ خَاشِعَةً) راه فراری ندارند و مجبور هستند، سر نهنند. عرض کردم: (عَامِلَةٌ) فرمودند: به غیر از آنچه خداوند نازل می‌کند. گفتیم: (نَاصِبَةٌ) فرمودند: کسانی را به غیر از ولایت امر تنصیب کردند. عرض کردم: (تَصَلَّى نَارًا خَامِيَةً) فرمودند: جنگ در دنیا برای عهد قائم و در آخرت جهنم) الکافی: ج ۸ ص ۱۷۸، الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۵۳.

و این حدیث دال بر اینکه مردم در آخر زمان و قبل از قیام قائم (ع) کارهای خود را بدون استفاده از کتاب خداوند متعال انجام می‌دهند (دستور وضعی) و غیر از ولایت امر را تنصیب

روایات بر وجود دعوت امام مهدی (ع) قبل از قیام مقدس

در روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر بعضی آیات قرآنی فرمودند: خداوند متعال می‌فرماید: منظور از آن شیعه و ضغفا هستند [ضعفاء شیعه] ... تا ادامه فرمایش: خداوند متعال می‌فرماید (چیزی به جز ذکری برای مردم و بشریت نیست ... و هرکه بخواهد در آن سبقت گیرد و یا به عقب باز ماند) فرمود: امروز قبل از خروج قائم هر کس بخواهد حق را قبول کند و متقدم شود و یا هر کس بخواهد از آن عقب ماند ... بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۳۲۶.

و در این روایت امام باقر (ع) تأکید می‌کند بر این روزی که روز که پیش از قیام قائم (ع) است، مردم در آن متقدم می‌شوند یا عقب بمانند. حکم عالم برای همه بشریت است و مخصوص فرقه و گروهی نیست. پس حتما این دعوت باید جهانی باشد و این دعوت را امام باقر (ع) با حق یا حق خالص از هر گمراهی در قیول خویش (ع) وصف کرده: (قبل از خروج قائم هر کس بخواهد حق را قبول کند و متقدم شود و یا هر کس بخواهد از آن عقب ماند) و تقدم پیش خداوند تعالی محقق نمی‌شود؛ مگر تقدمی به سمت حقی خالص از هر باطل باشد (برای او دعوت حق است) و هیچ پرچمی قبل از قائم (ع) موصوف به حق خالص نیست به جز پرچم یمانی به دلیل صفات وارده به حق یمانی از اهل بیت. همان‌طور که از امام باقر (ع) در حدیثی طولانی آمده: (... در پرچم‌ها پرچمی هدایت‌کننده‌تر از پرچم یمانی نیست که آن پرچم هدایت می‌باشد؛ زیرا او به صاحب شما دعوت می‌کند و اگر یمانی خروج کرد فروش او پرچم هدایت است و هر مسلمانی حرام است و اگر یمانی خروج کرد، به سوی او بشتاب؛ زیرا پرچم او پرچم هدایت است و بر هر مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند و هر کس این کار را انجام دهد، از اهل آتش خواهد بود زیرا او به حق و راه مستقیم دعوت می‌کند) الغیبه للنعمانی: ص ۲۶۴.

و در اینجا نکات متعددی وجود دارد که نیاز است در آنها توقف نمود:

۱- قول ایشان (ع): (در پرچم‌ها پرچمی هدایت‌کننده‌تر از پرچم یمانی نیست) یا اینکه او باهدایت‌ترین پرچم که قبل از قیام قائم (ع) می‌باشد و فضیلت یا برتری پرچم یمانی بر بقیه پرچم‌ها به خاطر این است که او اعلام کننده اذان دعوت قائم (ع) قبل از قیام او (ع) است. همان‌طور که مشخص شد (خروج قائم و اذان دعوت او (ع) برای خود است) و علت این برتری، امام باقر (ع) بر آن تأکید نمود بعد از اینکه ذکر نموده است که پرچم یمانی هدایت‌گرتترین پرچم‌هاست پس فرمودند: (آن پرچم هدایت است زیرا به صاحب شما دعوت می‌کند) یا اینکه او به امام مهدی (ع) دعوت می‌کند. حال یمانی همان صاحب دعوت قائم (ع) قبل از قیام او (ع) است.

۲- قول ایشان (ع): (اگر ایمانی خروج کرد به سوی او بشتاب زیرا پرچم او پرچم هدایت است) پس امام باقر (ع) شتافتن و یاری دادن به یمانی را واجب کرده است (به سوی او بشتاب) و اختلافی بین همه وجود ندارد؛ زیرا در واجب بودن وضاعی است و این شتافتن و یاری دادن همانی که روایت قبلی به آن اشاره نمود (... امروزه قبل از خروج قائم هر کس بخواهد حق را قبول کند و به آن شتاب کند) پس در عبارت دقت کن و آن‌را مقارن وصف یمانی قرار بده (زیرا او به حق و راه مستقیم دعوت می‌کند). پس قبول حقی که قبل از قیام قائم (ع) است؛ همان قبول حق یمانی و شتافتن برای



می‌کنند (انتخابات) و ولایت امر همان اوصیاء پیامبر محمد ائمه و مهدیین هستند. همان‌طور که در تفسیر قول تعالی آمده: (اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ).

از حسین بن ابی علاء گفت: (برای ابی عبدالله (ع) قول ما در مورد اوصیاء را ذکر کردم که اطاعت از آنها واجب است. پس فرمودند: بله خداوند در مورد آنها فرمودند تعالی: (اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) آنها کسانی که خداوند عزوجل در مورد آنها فرمودند: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ أَمَّنُوا)). شرح اصول کافی للمولی محمد صالح المازندرانی: ج ۵ ص ۱۵۳.

و از امام باقر (ع) فرمودند: (سزاوارتر در عقل و علم هستند. عرض کردیم: خاص است یا عام؟ فرمودند: خاص است برای ما) وسائل الشیعه: ج ۱۸ ص ۹۸.

روایات زیادی وارد شده که تأکید می‌کند، به اینکه امام مهدی (ع) قیام نمی‌کند تا اینکه مردم فوج فوج از دین خارج می‌شوند. تا اینکه نمی‌ماند؛ مگر همچون سورمه در چشم و یا نمک در غذا!!! و این اتفاق ترسناک برای امت و خروج اجتماعی از دین، دلیل و سبب برای

آن وجود ندارد؛ مگر خروج از ولایت ائمه، و از قرار معلوم امام مهدی (ع) در این زمان غایب است در حالی که امت به او ایمان و به خروج و ظهور او اقرار می‌کنند و به خصوص شیعه. پس حتماً امتحانی هست به غیر از امام مهدی (ع)، و خروج از دین و ولایت نخواهد بود؛ مگر در رد امامت وصی از اوصیاء رسول خدا توسط امت است.

از ابی جعفر (ع) فرمودند: (خداوند عزوجل فرمودند: هر رعیتی از اسلام که ولایت امام جائز و ستمگر را که از جانب خدا نیست قبول کند، عذاب خواهم داد و حتی اگر رعیت در اعمال خود تقوی پیشه کند، و هر رعیتی که ولایت امام عادل را که از جانب خداوند است، انتخاب کند، از آنها عفو خواهم کرد؛ حتی اگر در اعمال خود ظالم و نادرست باشند) غیبه النعمانی: ص ۱۳۱.

حال پس خداوند هیچ امتی را از ولایت خارج نمی‌کند؛ مگر اینکه یکی از اوصیاء رسول خدا (ص) را رد کند و وصی قبل از قیام قائم (ع) وجود ندارد؛ مگر مهدی اول از ذریه امام مهدی (ع) و او یمانی موعود و همان‌طور که قبلاً گفته شد. پس حتما امت قبل از قیام قائم (ع) به واسطه وصی خود امتحان می‌شود و با رد آن وصی و پیروی از علماء گمراه از ولایت و دین خارج شدند همان‌طور که به واسطه روایات آتی در مورد آن خواهید شنید: از امیر المؤمنین (ع) که فرمود: (... به نام آن کسی قسم که جانم در دست اوست، این امت بعد از کشته شدن فرزند من حسین همچنان در گمراهی و ظلمت و جور و اختلاف در دین و تغییر و تبدیل از آنچه خداوند در کتاب خود نازل نموده و با آوردن بدعت و ابطال سنت‌ها و اختلاف و قیاس مشتهبات و ترک محکمات تا اینکه از اسلام جدا شود و در ناینایی و در به دری وارد شود ...) غیبه النعمانی: ص ۱۴۴ – ۱۴۶.

و از ابی جعفر (ع) فرمودند: (حسین بن علی بر علی ابن ابی طالب (ع) وارد شد و پس از او همنشینان او بودند. آنگاه فرمودند: این سید شما است که رسول خدا او را سید نامید و از صلب او مردی خارج می‌شود که شبیه‌ترین خلق به من است. زمین را پر از عدل و قسط می‌کند؛ همان‌طور که پر از ظلم و جور شده بود. پس به او گفتند: ای امیر المؤمنین! این چه زمانی خواهد بود. آنگاه فرمودند: بر خذر باشید. وقتی که از دین خود خارج شدید، همانند زنی که پاهای خود را به شورش نشان می‌دهد) الملاحم و الفتن: باب ۷۶، معجم احادیث الامام مهدی (ع): ج ۳ ص ۴۰.

و در خطبه طولانی برای امیرالمؤمنین (ع) که در آن فرمودند: (... افسوس از کارها و افعال شیعه من، بعد از نزدیکی مودت امروز، که به چه نحوی همدیگر را خوار و ذلیل می‌کنند. بعد از من و از اصل خود فاصله گرفته و روز به روز جدایی بیشتر می‌شود که امید به فتح از جهتی دیگر دارند. هر حزب و گروهی از آنها به شاخه‌ای وابسته می‌شود. هر کجا که این شاخه رفت با آن خواهند بود ... تا اینکه فرمودند (ع): و بدانید اگر تابع طالع مشرق شدید شما را به سوی راه‌ها و مناخج رسول حرکت می‌دهد و از کوری و لالی و کر بودن شفا پیدا می‌کنید و طلب شما برآورده می‌شود ...) الکافی: ۲۲۸.

پیروزی او می‌باشد (وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ ... لَئِنْ شَاءَ مِنْكَ أَنْ تَقَدَّمَ أَنْ يَنَّاكُرَ) فرمودند (ع): (امروز قبل از خروج قائم (ع) ...).

۳- قول ایشان (ع): (بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او روی برگرداند و هر کس این چنین عمل کرد از اهل آتش خواهد بود) و تحریم روی برگرداندن از یمانی، و وعده روی برگردانی آتش است تأکید بر واجب بودن و یاری رساندن به یمانی است که استفاده از قول او (ع) (به سوی او بشتاب) زیرا یمانی صاحب دعوت قائم (ع) است و کمک یاری را از همه جهت تا خاتمه کار منحرفین و مقدمه ظهور برای امام مهدی (ع) را می‌خواهد. پس کسی که دعوت یمانی را واجب نمی‌داند و از یاری دادن به او تخلف کند به عنوان روی برگردانده، از او محسوب شده؛ زیرا با امر او مخالفت نموده و طاعت را واجب نمی‌داند. آن هم به خاطر اینکه با امر امام باقر (ع) مخالفت کرد (پس به سوی او بشتاب) و از رسول خدا محمد (ص) فرمودند: (هر کس داعی ما اهل بیت را بشنود، ولی ما را اجابت نکنند، خداوند او را روی صورت در آتش خواهد انداخت).

و وارد شدن در آتش به سبب یاری نرساندن به یمانی خود عامل تأخیر از حق قبل از قیام قائم (ع) است که روایت قبلی آن‌را ذکر نمود (فرمود: ... امروز قبل از خروج قائم هر کس بخواهد، حق را قبول کند و به آن شتاب کند و هر کس نخواهد، از او عقب بماند) و عقب‌ماندن از حق، همان رفتن در آتش جهنم است (پس هر کس این‌گونه عمل کند، او از اهل آتش است)، (هر کس هشدار داعی ما اهل بیت را بشنود و ما را اجابت نکند، خداوند او را روی صورت در آتش خواهد انداخت).

۴- قول ایشان (ع): (زیرا او به حق و راه مستقیم دعوت می‌کند) و همان‌طور که قبلاً گفتیم اینکه حقی که یمانی به آن دعوت می‌کند، حقی است که از هر باطلی پاک است؛ زیرا خداوند متعال امر به اتباع حق آمیخته به باطل نمی‌کند؛ زیرا انحراف آخر زمان امکان ندارد، کار او پایان پذیرد؛ مگر توسط حق پاک و خالص؛ همان‌طور که سرور من احمدالحسن (ع) فرمودند و خداوند تعالی فرمود: (لَنْ تَقْدَفَ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيُدْخِغَهُ فَأَدَا هُوَ زَاهِقٌ...).

و امام باقر (ع) علت تحریم روی برگرداندن از یمانی و استحقاق وارد شدن به آتش را سبب او قرار داد (زیرا که او به حق و راه مستقیم دعوت می‌کند) و حق همان امام مهدی (ع) می‌باشد؛ آن هم به دلیل اینکه او (ع) وقتی که برتری پرچم یمانی را بر بقیه پرچم‌ها قرار داد فرمود: (زیرا او به صاحب شما دعوت می‌کند) یا به سوی قائم (ع) و او حق خالص است.

و قول ایشان (ع) در مورد علت وصف پرچم یمانی به هدایت (آن پرچم هدایت است؛ زیرا او به سوی صاحبان دعوت می‌کند) دلالت بر اینکه هدایت قبل از قیام قائم (ع) محصور به دعوت فقط به سوی امام مهدی (ع) است (زیرا او به صاحبان دعوت می‌کند) بله به خاطر اینکه او به مرجعیت و نه حزب و گروه سیاسی و نه به دموکراسی و نه به قانون وضعی و نه ... و نه ... دعوت نمی‌کند. بلکه دعوتی خالص به سوی امام مهدی (ع) است و شریکی با او نیست.

و مؤکدی که دلالت بر وجود دعوت و داعی قبل از قیام امام مهدی (ع) می‌کند، دعای وارد شده از امام صادق (ع) برای هر کس که بخواهد قائم (ع) را در شهادت خود و یا در خواب ببیند و دعای طولانی است که تنها مقطعی از آن را که اشاره به وجود داعی قبل از قیام امام مهدی (ع) می‌کند، می‌آوریم: (... خداوند! اگر بین من و او (ع) مرگی که آنرا بر بندگان خود حتمی و واجب نمودی،

و از رسول خدا محمد (ص) فرمودند: (علی بن ابی طالب (ع) امام امت من و خلیفه من بر آنها بعد از من خواهد بود و از فرزندان او قائم منتظری است که زمین را پر از عدل و قسط می‌کند. همان‌طور که پر از ظلم و جور شده و به نام آن کسی که امر به حق بشارت و نذیری بود. برای ثابتان بر قول به امامت او در زمان غیبت، از کبریت قرمز گرامی‌تر هستند ...) الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۵۶ – ۱۵۷.

و از امیر المؤمنین (ع) در حدیث آمده: (... به آن کسی که نقشم در دست اوست، آنچه دوست دارید را نخواهید یافت تا اینکه در صورت همدیگر آب دهان بیاندازید و تا اینکه همدیگر را به نام دروغگو بنامید حتی کسی از شما نماند. یا اینکه فرمودند: از شیعه من مگر همچون سورمه در چشم و یا نمک در طعام ...) الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۴۴.

و از امیر المؤمنین (ع) فرمودند: (ای معشر شیعه! آنگاه شما را می‌بینم، همچون شتر می‌دوید. مرعی و چراگاه را می‌خواهید، ولی آن‌را پیدا نمی‌کنید) الامامة و التبصرة: ج ۱ ص ۲۲ این بابویه قمی.

و در تفسیر قول تعالی در ابتدای سوره برائت آمده است: (و اذانی است از جانب خداوند و رسول او به مردم در روز بزرگ حج، که بعد از این خدا و رسول او در برابر مشرکین هیچ تعهدی ندارند. پس هرگاه توبه کنید، آن برایتان بسی بهتر خواهد بود و اگر رو برگردانید بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نیابید، و کافران را به غذایی درنداک مژده بده).

از جابر از (جعفر بن) ابی جعفر (ع) در قول خداوند تعالی: (و اذانی است از جانب خداوند و رسول او به مردم در روز بزرگ حج) فرمودند: (خروج قائم و منظور از اذان دعوت برای خود است) تفسیر عباسی: ج ۲ ص ۷۶.

و این دلالت بر وجود دعوت برای امام مهدی (ع) قبل از قیام شریف او است و حتماً باید اذان دعوت توسط شخصی غیر از امام مهدی (ع) باشد؛ زیرا روایات به صورت متواتر گفته به اینکه امام مهدی (ع) در هنگام قیام خود به مکذبین چیزی به غیر از شمشیر نمی‌دهد و چیزی از آنها نمی‌گیرد؛ مگر شمشیر و توبه هیچ کسی را قبول نمی‌کند.

از ابی بصیر گفت: ابو جعفر (ع) فرمودند: (قائم به امر جدید و کتاب جدید و قضاء جدید بر عرب شدید قیام می‌کند. چیزی در شأن او نیست؛ مگر شمشیر و توبه کسی را قبول نمی‌کند و ملامت هیچ ملامت کننده‌ای به خدا را نمی‌شوند) الغیبه للنعمانی: ص ۲۳۳.

و از ابی بصیر گفت: شنیدم ابی عبدالله (ع) می‌فرماید: (در خروج قائم عجله نمی‌کنید که به خدا لباس او چیزی به غیر از ضخیم و غذای او چیزی به غیر از یونجه خشن نیست و او چیزی جز شمشیر و مرگ زیر سایه شمشیر نیست) الغیبه للطوسی: ص ۴۶۰. در قول تعالی: (وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِّىْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ) (و اذانی است از جانب خداوند و رسول او به مردم در روز بزرگ حج، که بعد از این خدا و رسول او در برابر مشرکین هیچ تعهدی ندارند).

در آن اذان خداوند برائت از مشرکین و مکذبین رسول خود را اعلام می‌کند و رسول خدا فرمودند: (کسی آنرا برای من اداه نمی‌کند؛ مگر شخصی از من)، که وصی او امام علی (ع) همان مؤذن بین مشرکین به نیابت از رسول خدا محمد (ص) اذان گو است و تفسیر امام باقر (ع) برای این آیه به اینکه در اذان دعوت قائم (ع) اشاره به اینکه همین‌طور برائت امام مهدی (ع) از هر مذهب دعوت قبل از قیام او از قریش آخر زمان و غیر آنها از کسانی که به امام مهدی (ع) شرک کردند و غیر آن در حکم و رهبری. و همین‌طور در آن اشاره به کسی که این دعوت را اعلام می‌کند و برائت را شخصی غیر از امام مهدی (ع) است و حتماً باید او وصی باشد؛ همان‌طور که برای شکارکننده‌ی برائت برای رسول خدا از مشرکین وصی او امیر المؤمنین (ع) بود.

و این همان چیزی است که حاصل شد هنگامی که سید احمدالحسن (ع) وصی امام مهدی (ع) برائت امام مهدی (ع) را از راه همه مکذبین به دعوت او به واسطه رسول خود یمانی موعود احمدالحسن، مگر اینکه قبل از اینکه عذاب به سوی آنها بیاید توبه کنند و از آنها (ع) وارد شده (امر همان‌طور که شروع کرد بر می‌گردد).

فاصله قرار داد، مرا از قبرم بیرون بیاور و از کفنم بیرون آمده، شمشیر خود را بالا برده و سپر خود را آماده به دعوت دعوت کننده لبیک گفته در حاضر و در آینده ...) مستدرک الوسائل للمیرزا النوری: ج ۵ ص ۷۴.

و مقارنه این متن با آنچه گذشت، به طور کامل واضح می‌شود که این داعی کسی به جز یمانی موعود نیست (به دعوت داعی لبیک گویم) زیرا این داعی و یاری رساندن او واجب و به سوی امام مهدی (ع) دعوت می‌کند (زیرا او شما را به صاحبان دعوت می‌کند)، (زیرا او به حق و راه مستقیم دعوت می‌کند)، (قبل از آن کسی که برای آل محمد دعوت می‌کند، می‌آید)، (و بدانید که اگر شما از کسی که از مشرق خروج کند، پیروی کردید مناخج و راه‌های رسول را سلوک نموده‌اید)، (و پرچم‌ها از مشرق زمین می‌آیند ... رهبری آنها را مردی از آل محمد می‌کند)، (در آن خلیفه خدا مهدی)، (بر شما باد به پیروی از جوان یمنی که از مشرق می‌آید و او صاحب پرچم مهدی (ع) است)، (مردی با پرچمی که کوچک سیاه از مشرق می‌آید. آنگاه صاحب شام را کشته و اوست که طاعت را به مهدی (ع) اداه می‌کند)، (مردی از فرزندان حسین (ع) از جانب مشرق می‌آید که اگر کوه‌ها در مقابل او قرار گیرند، آنها را تسخیر می‌کند و به عنوان راه از آنها استفاده می‌کند)، (و هرگز دنبال کسی از آنها نرو تا اینکه مردی از فرزندان حسین (ع) را ببینی)، (خداوند مردی از ما اهل بیت را فرستاد)، (مردی از فرزندان حسین (ع) از جانب مشرق می‌آید)، (آنگاه برای فرزند حسین (ع) پرچمی برافراشته می‌شود که امر در آن است).

شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا همه این متن‌ها از کلام عترت طاهره یک مصداق را نشان نمی‌دهد و او یمانی امر شده به یاری او و تأکید شده که پرچم او هدایت‌کننده‌ترین پرچم‌هاست و روی برگردانده از او از اهل آتش است. و او به سوی امام مهدی (ع) و راه مستقیم دعوت می‌کند و آیا نمی‌بینید که دست خداوند وارد موضوع شده و برنامه‌ریزی نموده تا اینکه همه این حلقه‌های پراکنده بین صحبت‌های اهل بیت به این شکل در آخر زمان جهت نشان دادن صاحب حق با همه این وضوح و صراحت روشن شود آیا این به تنهایی معجزه نیست!!؟

و امکان ندارد که کسی در حدود باشد، به دعوت یمانی ملحق نمی‌شود و نه دشمن یمانی گردد و فکر کند که او نجات یافته؛ زیرا با یمانی جنگ نکرده است!!! همان‌طوری که بعضی از مردم در این موضوع دچار توهم شده‌اند!!! و آنهایی که سعی می‌کنند کلام را از موضع خود منحرف کنند، مثل آنها همانند مثل ابی هریره هنگامی که گفت: فرضیه پیش علی کامل‌تر و ماندن یا غذای معاویه چرب‌تر و ایستادن روی حدود فی ما بین دو طرف سالم‌تر است!! یا همانند بعضی از شیوخ کوفه هنگامی که روی تل (حدود فی مابین) در روز عاشورا در حال گریه کردن بر حسین (ع) بوده، ایستاده بودند و برای پیروزی او دعا می‌کردند و به خاطر ترسی که از لشکر یزید (لعنه الله) داشتند، او را یاری ندادند؛ آنگاه تل را عقلانی‌تر دانسته در حالی که فرزند رسول‌الله (ص) فریاد می‌زد: آیا یاری دهنده‌ای نیست که مرا یاری دهد که در آن لحظه سعد بن عبیده به آنها گفت: (او از لشکر یزید بود) (ای دشمنان خدا آیا پیاده نمی‌شوید تا او را یاری دهید!) بله این است غیرت شبیه مردان، در هر زمان و مکان. ترس، مردم را از یاری حق با عذرهای واهی می‌ترسانند!!!

راه مستقیم که یمانی به آن هدایت می کند

در قرآن کریم خداوند داستانی در مورد جن که به محمد (ص) ایمان آوردند فرمودند:

(ای طایفه ما، ما کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است. تصدیق کننده مطالب کتاب‌های پیش از آن است که به سوی حق و راه راست هدایت می‌کند* ای طایفه ما! دعوت کننده خدا را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا از گناهان شما در گذرد و شما را از عذابی دردناک نگاه می‌دارد* و هر که دعوت کننده حق را اجابت نکند هرگز مفر و پناهی از قهر خدا در زمین نتواند یافت و جز خدا یار و یاورى برای او نیست چنین کسانی در گمراهی آشکار هستند) الإحتاف: ۳۰ – ۳۲.

پس کسی که به راه مستقیم هدایت می‌کند، همان دعوت کننده به سوی خدا در هر زمان است و هر کس که داعی خدا را اجابت نکند طبق متن قرآن کریم، در گمراهی مبین است؛ و تا زمانی که یمانی به حق و راه راست دعوت می‌کند، پس او داعی خداوند است (و هر که دعوت کننده حق را اجابت نکند، هرگز راه فرار و پناهی از قهر خدا در زمین نتواند یافت و جز خدا یار و یاورى برای او نیست چنین کسانی در گمراهی آشکار هستند).

و از ابی عبد الله (ع) فرمودند: (... ای فضیل بن یسار مردم به سمت شمال و جنوب رهسپار شدند و من و شیعیان ما به صراط مستقیم هدایت شدیم (... الکافی: ج ۲ ص ۳۴۶.

و رسول خدا (ص) به علی بن ابی طالب (ع) فرمودند: (... هر کس دنبال شما آمد، نجات یافت و هر کس نافرمانی کرد، هلاک می‌شود و شما راه واضح و روشن و شما صراط مستقیم هستید (... الأمالی للصدوق: ص ۲۸۲.

و ابی عبد الله (ع) فرمودند: (صراط مستقیم امیر المؤمنین (ع) است) معانی الأخبار: ص ۳۲.

از ابی عبد الله (ع) همین‌طور در قول خداوند عزوجل- (اهدنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ) فرمودند: (که آن امیر مؤمنین (ع) و معرفت او می باشد) معانی الأخبار: ص ۳۲.

و از امیر المؤمنین (ع): (من ریسمان متین خداوند و من صراط مستقیم هستم) غیبة النعمانی: ص ۱۶۵.

و از رسول خدا (ص) که به مردم اعلام می‌کند: (اگر علی را ولی قرار دادید، در راه و طریق مستقیم سلوک خواهید کرد) الجمل – ضامر بن شذقم المدنی: ص ۱۳.

و در زیارت امام علی (ع): (... همچنان بر نشانه‌ای از پروردگارت و یقین از امرت بوده، به حق و طریق مستقیم هدایت می‌کنی) بحار الانوار: ج ۹۷ ص ۳۶۲.

پس طریق یا راه مستقیم، همان ولایت امیر المؤمنین (ع) و ذریه معصوم ایشان (ع) و یمانی موعود که دعوت به سوی خدا برای ولایت می‌نماید (به طریق مستقیم دعوت می‌کند) حال پس سرپیچی‌کننده‌ی از او، از ولایت خارج است و به همین خاطر امام صادق (ع) در مورد او فرمودند: (هر کس این چنین عمل کرد از اهل آتش خواهد بود) و روایت‌ها متواتر شده به اینکه انسان از اهل آتش نخواهد بود؛ مگر اینکه از ولایت امیر المؤمنین (ع) خارج باشد. پناه به خدا از آن.

و به امام باقر (ع) در تفسیر قول تعالی بر می‌گردیم: (وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرُ لِلْبَشَرِ ... لَعَنَ شَاءَ مِنْكُمْ يَتَّقَدَّمُ أَوْ يَتَّأَخَّرُ) فرمود: (امروز قبل از خروج قائم هر کس بخواهد حق را قبول کند و به سوی او بشتابد و هر کس بخواهد از آن تأخیر کند ...) و تأکید می‌کنیم که آن، یعنی خروج مردم از ولایت قبل از قیام قائم (ع) است که در قول امام باقر (ع) آمده: (امروز قبل از خروج قائم ((ع)) یا اینکه تقدم به سوی حق یا تأخیر از آن همان وارد شدن در ولایت یا خروج از آن است و این معنی همان چیزی است که در خبر آتی امام رضا (ع)، در مورد آن تأکید کرده است.

و در خبری از فضیل بن یسار، از امام رضا (ع): (... عرضی کردم: (وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرُ لِلْبَشَرِ (چیزی جز ذکر و اندرز برای بشریت و مردم نیست) فرمود: بله ولایت علی (ع) است. عرض کردم: (إِنِّهَا لِإِخْدَى الْكِبَرِ) (یکی از عظیم‌ترین‌ها است) فرمودند: ولایت. عرض کردم: (لَعَنَ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقَدَّمُ أَوْ يَتَّأَخَّرُ) (هرکه بخواهد تقدم کند یا باز ماند) فرمودند: هر کس به سوی ولایت ما تقدم کند از آتش دور می‌شود و هر کس از آن متأخر شد به آتش نزدیک می‌شود. (أَلَا أَصْحَابَ الْيَمِينِ) فرمودند: به خدا آنها شیعه ما هستند. عرض کردم: (لَمْ نَكْ مِنَ الْمُضِلِّينَ) (از نماز گزاران نبودیم) فرمودند: آنها ولایت وصی محمد، و اوصیاء بعد از او را به ولایت قبول نمی‌کنند –و در مسیر آنها نماز نمی‌خوانند– عرض کردم: (فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذَكُّرَةِ مُعْرِضِينَ) (چرا از این انداز روی بر گردانند) فرمودند: که از ولایت روی بر می‌گردانند. عرض کردم: (كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ) (هرگز آن اندرزی است) فرمودند: ولایت است) الکافی: ج ۱ ص ۴۳۴. خداوند شما را هدایت کند. در قول امام رضا (ع) تأمل کن: (عرض کردم: (لَعَنَ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقَدَّمُ أَوْ يَتَّأَخَّرُ) فرمودند: (هر کس به سوی ولایت ما پیش قدم شود، از آتش دور می‌شود و هر کس از آن عقب بیفتد، به آتش نزدیک می‌شود) و آن را با قول امام باقر (ع) مقایسه کن؛ به اینکه قبل از قیام قائم (ع) هر کس بخواهد تقدم به حق کند و هر کس که بخواهد از آن دور شود، برای شما یقین حاصل می‌شود به اینکه انجا دعوت حقی قبل از قیام امام مهدی (ع) وجود دارد. پس هر که به آن برسد در آن وارد شده و یا در ولایت باقی مانده است و هر کس از آن تأخیر کند از ولایت خارج می‌شود. و قول امام رضا (ع): (هر کس به ولایت ما تقدم و نزدیک شود، از آتش دور و هر کس از ولایت ما دور شود، به آتش نزدیک می‌شود). و قول امام باقر (ع) در وصف کسانی که از یمانی رو بر می‌گردانند (هر کس این‌گونه عمل کرد از اهل آتش است) را –که خداوند تو را هدایت کند– مقایسه کن پس نتیجه یکی است و آن استحقاق قبول به سبب خروج از ولایت است و پناه بر خدا و یاد دار که آن قبل از قیام امام مهدی (ع) خواهد بود. همان‌طور که امام باقر (ع) بر آن تأکید نمود. پس حتماً باید دعوت کننده به سوی خدا و حامل پرچم مهدی (ع) همان یمانی موعود بوده و لاغیر. زیرا که او هدایت‌کننده‌ترین پرچم‌هاست و به حق دعوت می‌کند و به صراط مستقیم یا به سوی ولایت اهل‌بیت که با امام مهدی (ع) ادامه دارد و روی برگرداننده از او از اهل آتش است.

و اما قول امام رضا (ع): (أَلَا أَصْحَابَ الْيَمِينِ) فرمودند: (آنها به خدا شیعه ما هستند). در روایت آتی این موضوع مشخص خواهد شد و اینکه اصحاب

گروه مهدیه

ابان گفت: سلیم گفت: شنیدم علی بن ابی طالب (ع) می‌گوید: (اینکه این امت به هفتاد و سه فرقه متفرق می‌شوند که هفتاد و دو فرقه در آتش و یک فرقه در بهشت هستند. که سیزده فرقه از هفتاد و سه فرقه مدعی محبین ما اهل‌بیت هستند که یکی از آنها در بهشت و دوازده تا دیگر در آتش یا جهنم خواهند بود و اما فرقه یا گروه نجات یافته همان گروه مهدیه، مؤمله، مؤمنه، مسلمه که موافق و مرشد است و آن ایمان آورده به من و تسلیم من بوده و مطیع من و میرا از دشمن من هستند. محبت آنها برای من و کینه آنها برای دشمن من است، همانی که حق و امامت مرا شناخت و طاعت من از کتاب خدا و سنت پیامبر او را فرض قرار داد هرگز برگردانده نمی‌شد و از زمانی که خداوند قلب‌های آنها را از معرفت حق ما نورانی کرد و آنها را با فضل ما آشنا نمود و به آنها الهام کرد و آنها را از شیعه ما قار داد تا اینکه قلب‌های آنها مطمئن شد و یقین پیدا کردند که شک در آن، مخلوط نمی‌شود) کتاب سلیم بن قیس – تحقیق محمد باقر انصاری: ص ۱۶۹.

همان‌طور که واضح است در آنجا از بین هفتاد و سه فرقه و گروه، سیزده گروه از آنها خود را منسوب به مودت و دوستی اهل‌بیت می‌کنند (شیعه) که همه آنها در آتش‌اند، جز یک گروه از آنها که امام علی (ع) با صفات متعدد وصف نمود و مختص آن نمود و آن:

۱– (مهدیه) و آن اینکه این گروه حقیقتاً منتسب به امام مهدی (ع) هستند و غیر او جایگزین قبول نمی‌کنند و برای همه احزاب و افکار منحرف سر خم نمی‌نهند که به اسلام وارد شده؛ همانند دموکراسی غربی که قلب‌های بیشتر مسلمان از قبیل شیعه و سنی را متقلب به سمت خود کرد و نیز همانند قوانین وضعی که مسلمان به آن متمسک شده و قرآن را پشت سر خود قرار دادند. انکار که آنها نمی‌دانند که هر کس با این احزاب منحرف باشد، امکان ندارد که اصلاً خود را از گروه مهدیه قرار دهد حتی اگر صفت (مهدیه) را حمل بر هدایت و ولایت امام مهدی (ع) بدانند و همین‌طور بر کسی که از انتصاب الهی و تشریع او منحرف شد، این صفت بر او صدق نمی‌کند. و چطور امکان دارد که این شخص به هدایت وصف شود و فرق بین او و گمراه چیست!!!

۲– (مؤمله) و آن نیز همین‌طور است همان گروه منتظر امام خود و صبر کننده و متمسک به دین و احکام او با توجه به کم بودن عدد وعده آنها، و همه دنیا در مقابل آنها قرار گرفته‌اند و همانی که روایت‌ها آنان را به صبر و تمسک آنها به دین وصف نمود (همانند کسی که خوارهای تیز را با دست محکم مشت کند و همانند کسی که آتش گداخته را در دست خود دارد) و آن هرگز در مقابل افکار غربی کافر سر خم نمی‌نهد و با آنها موافقت نمی‌کند و برای خود عذر و بهانه واهی نمی‌سازد تا خود را از سر نهاند و تأیید افکار غربی منحرف (دموکراسی) میرا کند.

۳– (مؤمنه مسلم) اسلام همان تسلیم است و این گروه نجات یافته ایمان آورده به خداوند تعالی است که به رسول خدا محمد (ص) و عترت معصوم او اقتدا نموده و در مسیر قرآن و سنت طاهر حرکت می‌کند.

و به اینکه چگونه! و کی! و چه زمانی! و اینکه راه حل و جایگزین چیست؟! اعتراض نمی‌کند ... قلب‌های آنها با طولانی شدن غیبت و تظاهر زمان و زیاد شدن فتنه‌ها کوتاه نمی‌شود.

۴– (موافق و مرشد) موافق آنچه که خداوند تعالی نازل کرده است و رسول خدا و عترت طاهر آن را ابلاغ می‌کنند هستند و ثابت بر صراط مستقیم (قرآن و عترت) هستند و با این اوصاف خود مرشدی برای مردم بوده و دست‌های آنها را به سوی راه نجات هدایت می‌کند تا اینکه به یاری امام مهدی (ع) شرف‌یاب شوند و آنها را از راه‌های گمراهی و انحراف (یاری دادن به شیطان امریکا و همدستانش در شوره‌های کوچک بزرگ) (از خذیفه یمانی و جابر ابن عبدالله الانصاری از رسول‌الله (ص) نقل است که ایشان فرمود: (وای بر اتمم وای بر اتمم!) از شورای بزرگ و شورای کوچک. از ایشان (ص) سؤال شد: شورای بزرگ و کوچک کدام است؟ ایشان (ص) فرمودند: اما شورای بزرگ بعد از وفاتم در شهر خودم و برای غصب خلافت برادرم و غصب حق دخترم منعقد می‌شود و اما شورای کوچک در غیبت کبری در زوراء (بغداد) برای تغییر سنت و تبدیل احکام منعقد می‌شود). و امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) در حدیثی طولانی فرمود: (مرکزحکومت به زوراء (بغداد) باز می‌گردد و امور مردم با شورا (انتخابات) انجام می‌شود هر کسی بر چیزی غلبه کند، آن را انجام می‌دهد. پس در آن هنگام خروج سفیانی انجام می‌شود و به مدت نه ماه در زمین حاکم می‌شود که در آن بدترین عذاب‌ها نازل می‌شود. تا آنکه باز فرمود: سپس مهدی هدایت کننده خروج می‌کند. کسی که پرچم را از دست عیسی ابن مریم می‌گیرد)). نجات می‌دهد و حال اینکه می‌دانند یا نمی‌دانند. و در آنجا حدیث و صحبت در مورد این روایت بسی طولانی است که به شرح آن پرداختم. بر می‌گردیم و می‌گوییم: اینکه خروج از هدایت و ولایت امکان پذیر نیست؛ مگر در پشت کردن به وصی از اوصیاء و یا جنگ با اوست، و از شیعه به خصوص ترک و نپذیرفتن امامت امام مهدی (ع) توقع نمی‌شود که به طور ظاهر است و همه با توجه به اختلافات موجود در گروه‌ها منتظر او هستند. پس لابد شخصی قبل از قیام امام مهدی (ع) وجود دارد که از جانب خداوند متعال انتخاب شده یا اینکه احدی از اوصیاء امام مهدی (ع) است و مردم از ولایت و دین به سبب تکذیب و قبول نکردن این وصی خارج می‌شوند و این هم صدق نمی‌کند؛ مگر بر وصی یمانی همانی که روایت‌ها او را به عنوان صاحب هدایت‌کننده‌ترین پرچم که به سوی راه مستقیم دعوت می‌کند و روبروگردانده از او از اهل آتش است توصیف می‌کند و کسی به این اوصاف نمی‌تواند باشد مگر از جانب خداوند متعال انتخاب شده است، زیرا ما از یکی از روایت‌های سابق شنیدیم که خداوند امت را مورد عفو قرار می‌دهد تا زمانی که امامی را رد نکرده که خداوند تعالی او را تنصیب نموده و حتی اگر اعمال آنها نادرست باشد حال پس یمانی، امام منتخب از خداوند تعالی است زیرا ترک طاعت از او ورود

یعین همان پیروان یمانی هستند که غیر از آنها بر زمین مؤمنی پیدا نمی‌شود؛ همان‌طور که روایت آتی بر آن تأکید می‌کند: از امام رضا (ع) در خبر طولانی در وصف یاران امام مهدی (ع) آمده: (... و در مورد یاران قائم (ع) هنگامی که همدیگر را می‌بینند؛ انکار که فرزندان یک پدر و مادر هستند و اگر شب از هم جدا شوند، روز همدیگر را ملاقات می‌کنند و آن تاویل این آیه است: (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اَیْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّهُ جَمِیْعًا) (در خیرات سبقت بگیرید که هر کجا باشید خداوند جمیع شما را خواهد آورد). ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم در آن زمان بر زمین غیر از آنها مؤمنی وجود ندارد؟ فرمودند: بله ولی این عده‌ای که خداوند قائم (ع) را با آنها خارج می‌کند. همان نجباء و قضات و حکام و فقهاء در دین هستند. روی شکم و کمر آنها دست می‌کشد. آنگاه در هیچ حکمی اشتباه نخواهند کرد) دلائل الإمامة للطبری (الشیعی): ص ۵۶۲.

و این روایت نشان می‌دهد که در عصر ظهور مقدس غیر از یاران امام مهدی (ع) مؤمنی وجود ندارد و همان‌طور که معلوم است ایمان، همان ولایت برای آل محمد است. پس حتما مردم در مقابل فتنه‌ای در مورد یکی از اوصیاء قرار گیرند که آنها را از ولایت خارج کند تا اینکه باقی نماند؛ مگر همانند سرمه در چشم است و آنها یاران امام مهدی (ع) هستند و توقع نمی‌شود که این فتنه در مورد امام مهدی (ع) خواهد بود؛ زیرا مسلمین و به خصوص شیعه همگی به طور ظاهر به امام مهدی (ع) اعتقاد دارند. حال روایتی که در مورد جدایی امت به هفتاد و سه فرقه که در آن بیان و عبرتی است، برای هر کسی که حق را از حق طلب می‌کند.



ابان گفت: سلیم گفت: شنیدم علی بن ابی طالب علیه السلام می‌گوید: «اینکه این امت به هفتاد و سه فرقه متفرق می‌شوند که هفتاد و دو فرقه در آتش و یک فرقه در بهشت هستند. که سیزده فرقه از هفتاد و سه فرقه مدعی محبین ما اهل بیت هستند که یکی از آنها در بهشت و دوازده تا دیگر در آتش یا جهنم خواهند بود و اما فرقه یا گروه نجات یافته همان گروه مهدیه، مؤمله، مؤمنه، مسلمه که موافق و مرشد است و آن ایمان آورده به من و تسلیم من بوده و مطیع من و میرا از دشمن من هستند محبت آنها برای من و کینه آنها برای دشمن من است همانی که حق و امامت مرا شناخت و طاعت من از کتاب خدا و سنت پیامبر او را فرض قرار داد هرگز برگردانده نمی‌شد و از زمانی که خداوند قلب‌های آنها را از معرفت حق ما نورانی کرد و آنها را با فضل ما آشنا نمود و به آنها الهام کرد و آنها را از شیعه ما قرار داد تا اینکه قلب‌های آنها مطمئن شد و یقین پیدا کردند که شک در آن قاطی یا مخلوط نمی‌شود»

کتاب سلیم بن قیس – تحقیق محمد باقر انصاری: ص ۱۶۹

به آتش است. همان‌طور که قبلاً گفته شد پس حتماً صاحب این دعوت الهی و امام واجب اطاعت است و طاعت واجب نمی‌شود مگر برای معصوم و معصومین حجج تنها همان اوصیاء هستند پس حتماً یمانی اول اوصیاء برای امام مهدی (ع) خواهد بود.

و بعضی از روایات اشاره می‌کنند به اینکه امام مهدی (ع) بر این امر از آن دعوت و تأکید خواهد کرد: از ابی عبد الله (ع) فرمودند: (اگر قائم قیام کرد مردم را به اسلام جدیدی دعوت می‌کند و آنها را به امری هدایت می‌کند که پنهان مانده و مردم از آن گمراه شده‌اند و قائم را به اسم مهدی نامیدند چون با حق قیام می‌کند) بشارة الاسلام: ص ۲۳۲ نقل عن الارشاد لمفید. پس امری که مردم از آن در عصر غیبت گمراه مانده‌اند چیست؟ به خاطر اینکه امام مهدی (ع) مردم را به اسلامی جدید دعوت می‌کند و امکان ندارد که این امر غیر مرتبط با امر ولایت الهی برای اوصیاست و امکان ندارد که این هدایت برای شناخت امامت خود امام مهدی (ع) باشد، برای اینکه روایت می‌گوید که: به راستی که امام مردم را به امری که از آن گمراه مانده‌اند دعوت می‌کند حال اگر مردم به امامت امام مهدی (ع) اقرار نکنند پس چگونه هدایت می‌شوند که در قول او امری برای کسی که اطاعت نمی‌شود نیست و اگر به امامت امام مهدی (ع) اقرار کرد پس ولایتی بعد از امام مهدی (ع) نیست که مردم را به سوی آن دعوت کند به غیر از ولایت مهدیین از ذریه ایشان همان‌طور که در روایت‌های صحیح زیاد آنها را ذکر کردیم.

و در حدیث طولانی از ابی جعفر (ع) فرمودند در آن: (... مهدی (ع) به این خاطر به این اسم نام‌گذاری شد که او به امری مخفی هدایت می‌کند) غیبة النعمانی: ص ۲۴۳. و از ابی عبد الله (ع) فرمودند: (اگر قائم قیام کرد به امری غیر از آنچه بوده می‌آید) غیبة الطوسی: ص ۳۰۷.

و امری که قبل از قیام امام مهدی (ع) موجود می‌باشد که مردم آن را می‌شناسند و از آن غافل نمی‌شوند آن امامت دوازده ائمه هستند پس این امر جدید به غیر از امامت دوازده مهدیین از ذریه امام مهدی (ع) چیست که مردم از آن گمراه شدند و به سوی آن هدایت نمی‌شوند.

و در خطبه‌ای طولانی برای امیر المؤمنین (ع) که در آن فرمودند: (... و برای مردم کتابی جدید ظاهر می‌شود که بر کافرین بسیار سخت و شدید است و مردم را به امری دعوت می‌کند که هر کس به آن اقرار کند هدایت شد و هر کس آن را انکار کند منحرف می‌شود آنگاه وای بر حال کسی که آن را انکار کند (... الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۷۴ (ع) ۱۹۰.

از قرار معلوم اینکه هدایت و انحراف از ملزومات امامت است پس هر کس به همه اوصیاء اقرار کرد هدایت شد و هر کس یکی از آنها را انکار کرد منحرف و گمراه شد که در تفسیر قول تعالی آمده است: (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) طه: ۸۳. یا اینکه به سوی ولایت اهل‌بیت هدایت شد پس این ولایت جدید چیست که امام مهدی (ع) به آن دعوت خواهد کرد به غیر از ولایت اوصیاء از فرزندان او (ع)؟

